

یادداشت

«بانوی سردار» نمود مساله‌محوری در رسانه ملی است

نصرالله پژمان‌فر نماینده مجلس و تأثیرگذاری آن مطرح می‌شود، «مساله‌محوری» آن است. «مساله‌محوری» یعنی اینکه ما بدانیم چه کارکردهایی از رسانه مدنظرمان است و برای این کارکردها چه لوازم و ابزاری داریم. ما از رسانه انتظار داریم هم‌زمان با دنیای پیرامون، همراه با دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی و هم‌راستا با عقاید و علائق مذهبی، کارکردهای روز را داشته باشد. این نتیجه، جز با یک خط‌مشی کلی و سیاستگذاری کلان در حوزه‌های رسانه‌ای حاصل نمی‌شود. به گمان من، «مساله‌محوری» مرکز ثقل این سیاستگذاری است. فرهنگ، هنر و رسانه، امروز بدون توجه به «مساله» نمی‌تواند کارکردهای متناسب‌برای تحقق امر آرمانی را احصا کند. مسائل نیز صرفاً امروز‌روزمه‌یا دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی مقطعی نیستند. کلان‌نگری، تشخیص درست و اولویت دادن به حوزه‌های گفتمانی اصیل مانند استقلال، عدالت، آزادی و پیشرفت می‌تواند ما را در «مساله‌محوری» کمک کند. امروز اگر در رسانه فضای گفتمانی حول مساله آزادی ایجاد شود، گفتمان آزادی که دشمن برای مصادره آن تلاش می‌کند، به فضایی برای فعالیت جریان انقلاب و کاملاً فرصت‌محور تبدیل می‌شود. در حوزه‌های گفتمانی دیگر هم همین امر قابل تعمیم است. رسانه جمهوری اسلامی اگر در گفتمان عدالت، دست پیش بگیرد، رسانه دشمن نمی‌تواند آن را به امری تهدیدمحور تبدیل کند. در مسائل کلان‌تری چون «استقلال» که به تعبیر رهبر انقلاب، «آزادی در مقیاس یک ملت» تعریف می‌شود، باید این مساله‌محوری را تقویت کرد. تلاش جناح‌های لیبرال و غربگرا این است که با طرد مفهومی به نام «استقلال» -و طرح این مساله که ما از دورانی که مفاهیمی مانند استقلال با معنایی داشتند، گذار کرده‌ایم-واقعیت دیگری به نام «دشمن» را تقلیل دهند، به نحوی که فضای جامعه نسبت به «غیر» و «دیگری» آن، معنای پیشین را برداشت نکنند. در چنین فضایی است که «دشمن» مسیر را برای دخالت، فشار و جنگ نرم، مهیا می‌بیند. ادامه‌دار شدن دشمنی جریان‌های استکباری در واقع در بستر و فضایی ایجاد می‌شود که پیش‌تر در آن حضور «دشمن» نفی شده است؛ فضایی که از اهمیت استقلال در آن کاسته شده است. در این بین یکی از کارکردهای مهم رسانه امروز تقویت مفهوم «استقلال» و «استکبارستیزی» است. صداوسیما به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌ها و یکی از پرمخاطب‌ترین آنها در این حوزه رسالت سنگینی بر دوش دارد. کار کردن پیرامون مفاهیمی که از آنها صحبت‌شد، نیازمند ظرفیت، عمق و دقت است. طبیعی است که در حوزه‌هایی مانند نمایش، این دقت و ظرافت نیازمند تأکید بیشتر است. سریال «بانوی سردار» که این روزها با استقبال مخاطبان نیز همراه‌شده، یکی از نمونه‌های موفق در «مساله‌محوری» است. بانوی سردار، در زمانی که گفتمان‌های مخالف استقلال، با سطحی‌نگری تلاش دارند فضای جامعه را از موضوع استکبارستیزی دور کنند، با نمایش یک زن مبارز بختیاری، مبارزه‌ای تاریخی با استعمار را به تصویر کشیده است. مبارزه‌ای قدرتمندانه و مقاومتی هوشمندانه در برابر بیگانگان که نمونه امروزی آن را می‌توان در ماجرای ساقط کردن پهپاد آمریکایی و بازداشت کشتی انگلیسی مشاهده کرد. بانوی سردار البته در کنار مساله استعمار و استکبارستیزی، به شکلی نمادین و به‌نحوی که کارکرد امروزی نیز داشته باشد، به نقد عوامل فاسد داخلی که راه را برای بیگانگان هموار می‌کنند نیز می‌پردازد، که این امر اتفاقاً با همراهی کاربران شبکه‌های اجتماعی مواجه شده است. بخش کوتاهی از این سریال که سردار مریم در حال مواخذه خواین و اربابان آن روزگار است، به کرات در شبکه‌های اجتماعی پخش شده و مورد استقبال قرار گرفته است؛ مساله‌ای که تأیید دیگری بر داشتن کارکرد روز برای این سریال است. در پایان اشاره بر این مهم که در مقدمه ذکر شد، لازم به ذکر است که اگر رسانه ملی کارویژه‌های خود را با تأکید بر «مساله‌محوری» پیش ببرد، شاهد نمونه‌های موفق بیشتری در حوزه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی خواهیم بود.

خبر

مصلاي امام خميني (ره) ميزبان اجتماع شيرخوارگان عاشورايي

به مناسبت فرارسیدن ايام عزاداری سيد و سالار شهيدان، جمعه ۱۵ شهريورماه برابر با ششم محرم الحرام، آيين بزرگداشت مقام حضرت علي(ص) با حضور ده‌ها هزار خانواده تهراني در مصلاي شهر تهران برگزار می‌شود. اجتماع بزرگ مادران و شيرخوارگان عاشورايي همچون سال گذشته، با حضور خانواده‌هاي معظم شهيداي دفاع مقدس و مدافع حرم برگزار خواهد شد. در اين مراسم آقایان حاج احمد واعظي و حاج مرتضی طاهري به ذکر مصيبت اهل بيت(ع) می‌پردازند. اجرای گروه همخواني نسیم‌قدر از ديگر برنامه‌های اين سوگواره است. اين مراسم از ساعت ۸:۳۰ به‌طور رسمي آغاز و از شكه ۲ سيما به‌صورت مستقيم پخش می‌شود. مصلاي امام خميني(ره) مانند سال گذشته شرايط حضور آقایان را نيز در اين مراسم فراهم کرده و شيبستان شرقي مصلي، به همين منظور تدارک ديده شده است. به گفته مدير امور مراسم مصلاي امام خميني(ره)، درهاي مصلي از ساعت ۶:۳۰ باز خواهد بود و پارکينگ‌هاي عمومي اطراف مصلي هم در دسترس شهروندان قرار خواهد داشت. در اين مراسم خدمات گوناگون فرهنگي و رفاهي از جمله برپايي اتاق مادر و کودک، ايستگاه‌هاي صلواتي و توزيع بسته‌هاي فرهنگي تدارک ديده شده است. ضمناً برنامه‌هاي جنبی نظير برپايي نمايشگاه عکس از مجموعه عکس‌هاي مراسم شيرخوارگان سال‌هاي گذشته با نام «قاب ارادت» و نمايشگاهي از آثار برگزيده مسابقه عکس «اجتماع بزرگ مادران و شيرخوارگان عاشورايي-۱۳۹۷» در حاشيه اين مراسم برپا می‌شود.



سیدمه‌دی موسوی‌تبار

روزنامه‌نگار

ادبیات عاشورایی یک پدیده تازه نیست. هر چند در سال‌های اخیر مورد توجه شاعران و برخی مسئولان قرار گرفته است، اما قدمت آن شاید به قدمت شعر بر گردد. برخی شاعران بخش بزرگی از شهرت خود را به‌دلیل فعالیت در این حوزه کسب کرده‌اند و شاعران دیگر پنجره‌های بزرگ‌تر و جذاب‌تری از واقعه عاشورا روی دیدگان مردم گشوده‌اند. برخی مورخان دوره‌های مختلف، شعر عاشورایی در زبان فارسی را به چهار دوره مختلف تقسیم کرده‌اند: دوره اول از قرون اولیه شعر فارسی است که تا قبل از شکل‌گیری حکومت صفوی ادامه پیدا می‌کند. دوره دوم نیز طبعاً عصر صفوی را شامل می‌شود. دوره سوم شعر فارسی عاشورایی نیز دوران حکومت‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه است و نهایتاً در دوره چهارم به سروده‌های شاعران معاصر می‌رسیم. حالا و در دوران معاصر و دهه پنجم عمر انقلاب، هر چند دیر اما زمان مناسبی است که بدون غرض و تعصب بیجا درباره آفت‌ها و آسیب‌های شعر عاشورایی صحبت کرد. درباره کاستی‌هایی که وجود داشته و همچنان هست. شعر عاشورایی قطعاً مثل هر پدیده جذاب دیگری ممکن است مورد سوءاستفاده یا سهل‌انگاری قرار گیرد. گنجینه ارزشمندی از شعر عاشورایی به دست‌مان رسیده و حداقل وظیفه ما این است که برای انتقال به نسل‌های بعدی یا به آن بیفزاییم یا دیگر از آن کم نکنیم.

در حوزه شعر عاشورایی آسیب‌شناسی‌هایی صورت گرفته است، اما درباره محتوای شعرهایی که سروده و خوانده می‌شود، همچنان نقدهای زیادی گفته و نوشته شده است. حتی قالب‌های شعری نسبت به دهه‌های قبل تفاوت پیدا کرده است. شاعران در سال‌های اخیر سعی کرده‌اند واژه‌های نو را در کلام وارد کنند. تحلیل ابتدایی شما درباره وضعیت فعلی شعر عاشورایی چیست ؟

اظهارنظر در این باره قدری سخت است و نیاز به تسلط و پژوهش عملیاتی و میدانی دارد که ببینیم نقایص کجا هست. باید دید آنچه من از دور می‌بینم و آنچه واقعاً وجود دارد، چقدر با هم متفاوت است. مخصوصاً در بحث قالب‌های شعری باید آمارگیری شود که بدانیم واقعا چه میزان و درصدی به هریک از آنها پرداخته می‌شود. از دور می‌توان برآورد کلی داشت، ولی نمی‌دانم می‌توان به استناد آنها صحبت کرد یا خیر. سوال شما مضمون و محتوا را هم شامل می‌شود؟

بله.

عموماً برخی از مضامین در جریان عاشورا جذاب‌تر است که باید به افراد حق داد که به آنها بیشتر بپردازند، زیرا آنها الهام‌برانگیزتر و تصویری‌تر هستند. برخی تصاویر یا پرده‌های عاشورایی و بخشی از چیزهایی که مغفول بوده هم در جاهایی همانند شب شعر عاشورا به‌عنوان موضوع انتخاب می‌شود و شعرادر همان فضا شعر می‌گویند که این ایرادات بخش‌های مغفول برطرف شود. به‌عنوان مثال شاید بحث اصحاب اباعبدالله(ع) بوده که در مشهد همایشی درباره آن برگزار شده است. باید تحلیل کرد که آیا هنوز این کمبودها وجود دارد یا خیر؟ باید آماري باشد که ببینیم کماکان این موضوعات مغفول مانده است یا خیر.

سوال بعدی من درباره زوایای مغفول حادثه عاشورا است. براساس خروجی‌هایی که وجود دارد، درباره یاران امام حسین(ع) تعداد انگشت‌شماری آثار قوی و ماندگار داریم؛ چه در حوزه داستان و چه در حوزه شعر. در حوزه تصویر، سریال مختار بوده که به هر کدام از یاران امام حسین(ع) تا جایی که ظرفیتش بوده، اشاراتی شده است. نکته‌ای که وجود دارد این است که کل واقعه عاشورا و شعر عاشورایی حول چند شخصیت اصلی می‌گردد و کارها هم آرام‌آرام سمت این می‌رود که بتواند ارتباط کلامی با نسل‌های امروزی برقرار کند و حتی زبان سهل‌تری انتخاب شود. می‌شود گفت کارهایی که در سه یا چهاردهه قبل گفته شده، نسبت به الان عمیق‌تر بوده‌اند؟ مثلاً در گذشته قالب‌هایی مثل ترکیب‌بند یا مثنوی خیلی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفته و الان شاعران سمت قالب چهارپاره و ترانه می‌روند. انکار این قالب‌ها هواخواه ندارند و سراغ ترانه و چهارپاره می‌روند.

فرهنگ

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با قاسم صرافان درباره شعر عاشورایی

در پژوهش شعر عاشورایی ضعف داریم



نداشته باشند. این باعث می‌شود در این حوزه به صورت کلی، بی‌زنامه کار شود و این بی‌زنامگی باعث می‌شود هرکسی براساس ذوقی که دارد، جلو برود.

مجموعه با چربانی نیست که الان از من بخواهد یا من را به‌عنوان شاعر هدایت کند به این سمت که در این حوزه‌ها یا با چارچوب‌های زبان کلاسیک و تصویرسازی‌های همان زبان جلو می‌رفته است. الان برای اینکه شعری گل کند و دیده شود، نیاز به کشف‌ها و اتفاقات جدید دارد. کشف جدید در یک غزل یا در تک‌تک ابیات یک غزل کار بسیار دشواری است. بسیاری از این حرف‌ها را پیشینیان بیان کردند و عدم تکرار آنها و زدن حرف جدید یا حال و هوای جدید و زاویه نگاه جدید ایجاد کردن، کار را پرزحمت‌تر می‌کند تا تبدیل به کار خاصی شود. به همین دلیل شاید قدری غزل به دلیل کوتاه بودن یا همین چهارپاره‌ها حالت مدرن‌تر و جدیدتر و نوتری برای شعر دارد، ضمن اینکه دست آنها برای قافیه‌پردازی باز است. یکی از دلایلی که استقبال می‌شود همین است و نکته دیگر اینکه توسط خوانندگان استودیویی یا جلسات مداحی و هیات‌ها بیشتر قابل خواندن است.

تأکید می‌کنم که برخی موارد نیاز به کار پژوهشی دارد؛ از جلسات شعری که حضور پیدا می‌کنم یا در فضای مجازی برآورزی در دهنم دارم. اینکه حال و هوای کل زندگی‌ما و دنیای امروز ما مختصات جدیدی را تعریف کرده که نیاز به این دارد که زبان شعر و ادبیات و داستان و هنر ما خود را پایه‌پای ذائقه مردم و زندگی مردم و این دنیای امروز حرکت دهد. برخی از این اتفاقات هم با توجه به طرز نگاه و ترجمه اتفاق عاشورا به زبان امروز اجتناب‌ناپذیر است. البته باید بگویم در این خصوص حرف زیاد است و نمی‌دانیم از کجا باید شروع کنیم. ابتدا باید زیرساخت‌هایی وجود داشته باشد و وقتی این زیرساخت‌ها وجود ندارد، شعر را تفننی نگاه می‌کنیم. یعنی شاعر حرفه‌ای نداریم؛ مثل زمانی که ورزشکار حرفه‌ای نداشتیم و توقعی نبود ورزشکاران ما در سطح بین‌المللی موفق باشند. برای شغل اصلی خود زحمت می‌کشیدند و یک زمان محدودی سراغ ورزش می‌آمدند. با آن روش نمی‌شد نتیجه گرفت. در حوزه شعر و ادبیات هم همین است. وقتی خیلی شعر را جدی نگاه نمی‌کنند و شعرای حرفه‌ای کمی داریم، یعنی اکثراً به صورت تفننی و ذوقی شعر می‌گویند و اگر حس و حال خوبی به آنها دست دهد، دست به قلم می‌شوند. وقتی اینچنین به شعر نگاه می‌کنند، یعنی برنامه‌ریزی خاصی وجود ندارد و به اولین موضوعی که برای آنها الهام‌بخش است، می‌پردازند. اولین موضوع هم همان شخصیت‌های اصلی حادثه عاشورا یا اتفاقات مهم عاشورا است؛ مهم به این معنا که اتفاقات مشخص‌تر و پرنرگ‌تر و چیزی که بیشتر در هیئات ورودی‌های ذهنی یک شاعر وجود دارد. مجموع این عوامل به شاعر القا می‌کند که کنیه‌هایی که در سطح شهر می‌بیند و حرف‌هایی که زده می‌شود، حول موضوع مهم و مشخص می‌چرخد. شعرای عاشورایی شاید آنقدر حرفه‌ای به این مقوله نگاه نمی‌کنند که مثلاً الان در این حوزه شعر کم داریم یا سیستم و سامانه‌ای باشد که تشخیص دهد باید به نحوی در این حوزه کار شود. همان دوستانی که این کار را انجام می‌دهند و اصحاب‌الحسین راه را انداختند، آنها هم شاید خیلی حمایت نمی‌شوند و شاید یک سال باشند و سال‌های بعدی برنامه خاصی

ولی موردی است؛ یعنی برنامه حساب‌شده استراتژیکی نیست.
نه اینکه چیزی وجود نداشته باشد؛ یک چیزهایی وجود دارد...

هر کسی راه خودش را می‌رود.
البته با این امکانات و شرایط و نگاهی که به شعر هست و بودجه‌هایی که به شعر اختصاص داده می‌شود یا با این فضایی که در مجموع وجود دارد، همین هم خوب است و همین اتفاقاتی هم که رخ می‌دهد، جای تشکر و تقدیر دارد. دوستان هم هستند که زحمت می‌کشند. البته هروقت برای شروع این حرکت رفتن به سمت حرفه‌ای شدن قدم برداریم، دیر نیست.

چه کارهایی باید برای حرفه‌ای شدن انجام شود؟
به‌نظم چند اتفاق باید رخ دهد که مهم‌ترین آن تصویب قوانینی در کمیسیون فرهنگی مجلس است یا سازمان‌های جدی و مرتبط همانند وزارت ارشاد که باید وظیفه خود را در قبال این اتفاق انجام دهند و بقیه چون چندان موسسات بزرگ و جدی نیستند، در حد خود حرکت‌هایی انجام می‌دهند. کسانی که دغدغه دارند، امکانات و ظرفیت خیلی بالا و تأثیرگذاری در بحث‌های فرهنگی کل کشور ندارند و آنهایی که هستند، مثلاً آموزش عالی هم چندان دغدغه و برنامه‌ای برای این قصه ندارد و تا این